

بررسی پوشاک و زیورآلات منطقه باستانی سیلک کاشان در دوره نوسنگی با توجه به آثار آن

سید ماهسون سجادی

مدرس گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

msajjadib@yahoo.com

مرضیه طبّلچی کاشی

دانشجوی کارشناسی، گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

marzieh.tabalchi@yahoo.com

ملیکا محبتی

دانشجوی کارشناسی، گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

melika1381.mohebbati@gmail.com

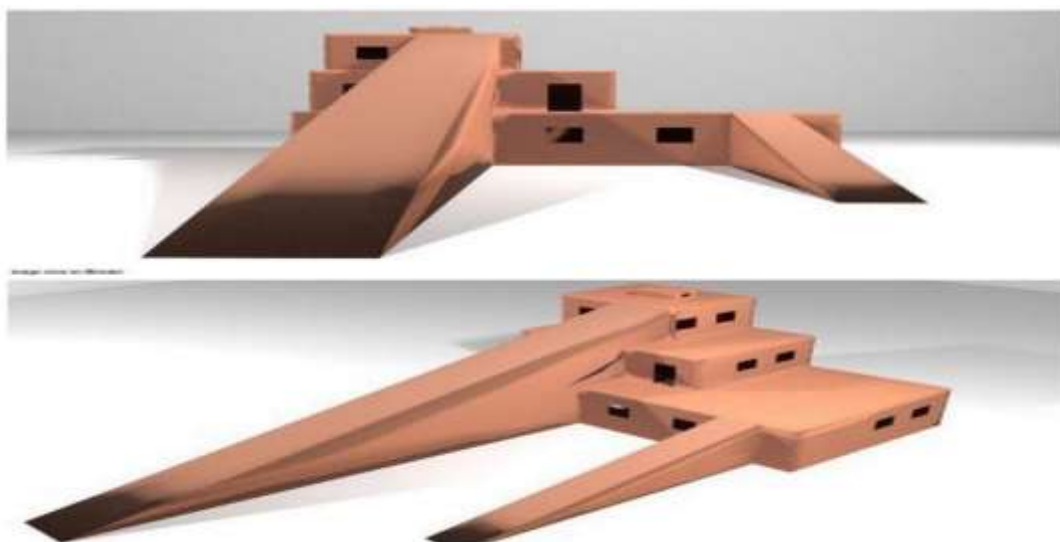
چکیده :

کشور ایران، یکی از ملت‌های پیشرو در زمینه لباس و پوشاک بوده است که تاریخ لباس و پوشش مردم آن به چندین هزار سال قبل می‌رسد. این مقاله نوع پوشش مردمان نوسنگی سیلک با توجه به نقاشی‌ها، نقش برجسته‌ها، عکسها، کتب و منابع معتبر بررسی می‌کند که از نوع مطالعات تاریخی بوده است. تاریخچه پوشاک بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ انسان است و برای آگاهی از آن باید فرهنگ مردم، آثار باقی مانده و مطالعات باستان‌شناسی انجام شده. برای شناخت ویژگی‌ها و نوع پوشش مردمان سیلک از نظر تکنیک دوخت، وسایل مربوط به دوخت و پوشاک، همچنین نوع پوشش مردمان این دوره و وضعیت آثار فعلی و آنچه از این دوران باقی مانده است را مورد بررسی قرار داد. با بررسی پوشش مردمان این دوره نه تنها با ظاهر افراد در گذشته آشنا می‌شویم بلکه با بسیاری از مسائل مانند برخی از بافته‌های نساجی نوع و طرح آنها و خیلی موارد دیگر نیز آشنا می‌شویم. در گذشته از پوشاک برای راحتی، حجب و حیا و نیز برای ایمنی مورد استفاده قرار می‌گرفته و پوشاک را نشان دهنده باورهای مذهبی، فرهنگی و دیگر معانی اجتماعی می‌دانستند. همچنین نتایج حاصل از بررسی پوشاک و زیورآلات در این منطقه، آیینی بودن پوشاک و زیورآلات استفاده شده ساکنان آن جا را تایید می‌کند. شیوه پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی استوار بوده و گردآوری اطلاعات، از منابع کتابخانه‌ای و بررسی آثار موزه‌ها بوده است.

کلید واژه : پوشاک، زیورآلات، سیلک، نوسنگی، تمدن سیلک

مقدمه :

در منطقه جغرافیایی که آن را امروزه ایران می‌نامیم، در گذشته تمدن‌های گوناگونی زندگی می‌کردند؛ هر یک متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگ و آداب و رسوم، نوع پوشش خاصی داشته‌اند که این نوع پوشش، از آثار باقیمانده‌ای که در موزه‌ها موجودند، قابل بررسی است. با شروع عصر نوسنگی، پوشش انسان‌ها تغییر کرده، شکل پیشرفته‌تری به خود گرفته است؛ آداب و رسوم هر منطقه و همچنین فرهنگ آن‌ها نقش مهمی در چگونگی پوشش مردم آن منطقه داشته است. نخستین انگیزه و اندیشه بهره‌گیری از پوشاک و لباس، برای مصون نگه داشتن بشر در برابر عوامل طبیعی و اقلیمی، به ویژه سرما بوده است. سیلک، نام نخستین تمدن ایران مرکزی در منطقه فین کاشان است که قدمتی نزدیک به هشت هزار سال پیش از میلاد دارد. این ویرانه‌ها قدیمی‌ترین زیگورات جهان و نیایشگاه مردمان باستانی ایران بوده که گروهی از باستان‌شناسان به سرپرستی رومن گیرشمن در پی سه فصل کاوش در سال‌های 1933، 1934 و 1937 میلادی، بر روی دو تپه سیلک و دو گورستان نزدیک آن کتابی با نام سیلک نوشته‌اند. طبق تحقیقات جدید در مرزهای قدیمی سیلک، مشخص شده است که مردم آن زمان به دو طبقه تقسیم می‌شدند؛ طبقه نخست اشراف، درباریان و سپاهیان که همراه جسد آنها اشیای قیمتی، بسیار دیده می‌شود، دیگری، طبقه دهقانان و روستاییان و پیشه‌وران و شاید بومیان آن سرزمین که گورهای آنها محقر و بدون بام شیب‌دار و دربردارنده اشیایی ساخته شده از مفرغ است. همچنین شواهد، از ایده استفاده مردم از مس، برای ساخت جواهرات در این دوران پشتیبانی می‌کند. ما در این مقاله سعی داریم نوع پوشش این دوره را بررسی کرده و با توجه به تصاویر و سفالینه‌های موجود، بیشتر به طرز پوشش و زیورآلات ساکنین این منطقه پی ببریم.



تصویر 1، زیگورات سیلک، ۸ هزارسال پیش، منطقه ی سیلک

الف) پوشاک

۱. پیراهن :

مطالعه نقوش انسانی روی سفال و مهره‌های به دست آمده از محوطه‌های باستانی، اطلاعات ارزشمندی از دوران باستان، از جمله پوشاک را حاصل می‌شود؛ از آنجا که این دوره، عصر دوم آهن بوده و با توجه به تصاویر به دست آمده از این دوره، به نظر می‌رسد

که افراد در این دوره لباس، کلاه، ابزار و جواهرات آهنین و مفرغین داشته و با توجه به این که سیلک زیگورات یا معبدی بوده است، می‌توان گفت این زیگورات کشیش یا نگهبان‌هایی داشته که لباس، کلاه‌خود و ابزار آهنی در اختیار داشتند و یا در آن زمان، افراد، برای محافظت از محیط پیرامون خود، نیاز به پوشش مناسب داشته‌اند و برای ایجاد این پوشش، به فکر افتادن ساختن البسه و کلاه‌های آهنین برای حفاظت خود افتادند. بر اساس نقوش بر جای مانده از تمدن گورستان، مردان سیلک در این دوره، لباس کوتاه بالای زانو می‌پوشیدند و شلوارهایشان، چسبناک است؛ اما نقوش روی مهره‌های استوانه‌ای که دارای مضامین مذهبی و آیینی هستند، سخن از جامه‌های بلند و تا حدی گشاد دارند. با توجه به نقش برجسته به دست آمده از این دوره به نظر می‌رسد که پیراهن‌هایی کوتاه و گاه بلند، مثل پیراهن رو یا قبا، وجود داشته که آستین دارد و قد آن تقریباً تا روی زانو است. در این نقش برجسته پیراهن‌های زیر نیز دیده می‌شود که این پیراهن‌ها یکسره، راسته و پوشیده بوده و آستین هایش، بلند و گشاد است و آن طور که دیده می‌شود قد آن بلند و تا مچ پا بوده است.



تصویر 2، سفالینه ی منقوش، سیلک، ۳۵۰۰، موزه ملی تهران



تصویر 3، تکه‌ای از یک کوزه، سیلک، هزار ۴ پیش از میلاد، موزه لوور



تصویر ۴، نماد انسانی، سیلک، نوسنگی

۲. شلوار :

طبق مشاهدات به دست آمده از نقوش برجسته ، شلوارهای گشادی که در قسمت مچ پا چسبان می‌شوند، نیز وجود داشته است و با وجود آن که این نقوش، طرحی نمادین هستند و شیوه طراحی پرسپکتیو در آن رعایت نشده است، می‌توان در آن، شباهت‌هایی با شلوار لباس اقوام کرد امروزه پیدا کرد.

۳. دکمه :

در تصویر این نقوش برجسته، دکمه‌ها واضح و مشخص نیستند اما با توجه کاوش‌هایی که در منطقه انجام شده، قدیمی‌ترین دکمه‌ها تا کنون از محوطه‌ی باستانی سیلک به دست آمده است که متعلق به دوره دوم سیلک بوده و از جنس مس می‌باشند. از دوره سوم سیلک نیز، دو دکمه از جنس نقره (ورقه‌های نازک نقره چکش‌کاری شده)، به دست آمده که سکه نیم‌رخ محدب و حلقه کوچکی دارند . علاوه بر این در این دوره، مهره‌هایی به شکل دکمه نیز وجود داشته که در کنار سایر اشیاء، از دوره سه سیلک، به دست آمده است. در گورستان (ب)، در داخل قبور، دکمه‌هایی به اندازه‌های مختلف به صورت برجسته و برآمده، به دست آمده است؛ قسمت درونی این دکمه‌ها، به صورت مقعر و دارای یک سوراخ مرکزی است. این دکمه‌ها از نظر جنس، به گروه‌های خمیر شیشه، صدف، استخوان، مفرغ و نقره تقسیم می‌شوند.



تصویر ۵، دکمه، سیلک، ۵ تا ۶ هزار سال پیش، موزه ی سیلک

۴. کمر بند و سگک :

کمر بندهای این دوره، سگک دار بوده اند و تعدادی از این سگک ها، از قبرستان های این منطقه کشف شده اند؛ قلاب آنها از جنس مفرغ، به شکل مشبک بود و به طول شانزده سانتی متر ساخته شده است. در این منطقه، علاوه بر استفاده از کمر بند های سگک دار، از کمر بند های آهنی و حتی با اثر دسته چاقوی استخوانی، از شال نیز به عنوان کمر بند استفاده میکردند که روی قبا یا حتی پیراهن به دور کمر می بستند.

۵. پوشش سر :

در این تصویر، کلاه های نمادی یا کلاه خود مانند (که تا پشت سر ادامه داشته اند) و حتی پیچش عمامه مانند و نیم تاج و همچنین کلاه های تزئینی، دیده می شود.

۶. کفش :

در این نقش برجسته کفش ها مشخص و واضح نیست اما به نظر می رسد که افراد این دوره، کفش هایی با ساق بلند و ساق کوتاه داشته اند که به نظر شخصی نویسنده در بعضی از نقاشی و عکس ها، این کفش، شباهت به گیوه دارد، در بعضی دیگر شبیه به کفش های مصری و حتی به شکل کفش های حصیری نیز هستند و بندهای آن، تا مچ پاها هم، ادامه داشته است.

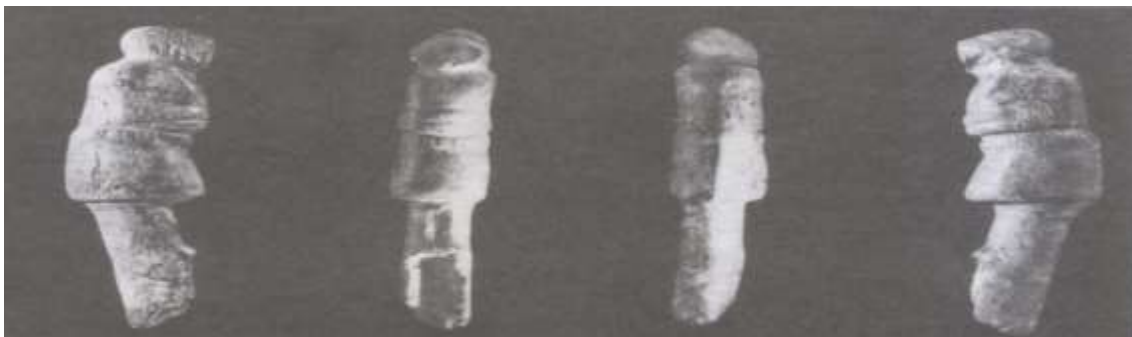


تصویر ۶، نقش برجسته، سیلک، دوره نوسنگی، منطقه ی سیلک

ب) نساجی

۱. دسته چاقو استخوانی :

این دسته چاقو که با کمال مهارت از استخوان تراشیده شده، متعلق به 4200 سال پیش از میلاد و از پایین ترین طبقات تپه سیلک کشف شده است. روی دسته این چاقو، انسانی در حالت تواضع، ایستاده در مقابل خداوند حکاکی شده و به نظر می رسد که پوشش او از پیراهنی بلند یا زیر پیراهن، کلاه و شل تشکیل شده؛ شل از یک قطعه پارچه یا پوست مستطیلی شکلی تشکیل شده؛ به قسمت پایین بدن پیچیده و جهش چرخش آن از چپ به راست است. محل برخورد دو لبه این لباس را با ضخامت عمودی نشان داده‌اند. در این شل 14 درز کوچک و عمودی در محلی که دست کمتر روی آن کشیده شده یعنی قسمت بازو قابل مشاهده است. چین‌های پارچه یا پوست نشانگر آن است که روی یکدیگر تابیده شده و نوعی کمربند را تشکیل داده‌اند (رومن گیرشمن، 1379-29 و 30). در کتاب‌های تاریخی آمده که پوشش اقوام سیلکی در دوره نوسنگی، از پوست حیوانات و برگ‌های طبیعی بوده است. در این عصر استفاده از بافت الباف گیاهی و یا بافت گوسفند رواج داشته اما هیچ سند و مدرکی تا قبل از دسته چاقوی استخوانی سیلک بر اثبات آن دلالت نمی‌کند. به استناد این چاقو می‌توان گفت که 7000 سال پیش، افراد از پوست حیوانات، و با آغاز کشاورزی و دام‌داری، از پارچه‌های پشمی و نخی برای ایجاد پوششی برای خود استفاده می‌کردند.



تصویر ۷، چاقوی استخوانی، سیلک، ۴۲۰۰ پیش از میلاد، موزه ی ایران باستان

۲. پارچه :

نیاز به بافتن و دوختن تن پوشی مناسب، از جمله نیازهای نخستین بشر بوده و تا کنون نیز ادامه دارد؛ ولی اینکه در چه زمانی تن پوش گیاهی و سود جستن از پوست نباتات و حیوانات برای پوشش بدن، به صورت بافته شده و پارچه درآمده، به درستی روشن نیست؛ اما پیدا شدن دوک‌های ریسندگی، نشان از آشنایی ساکنین منطقه با صنعت ریسندگی و بافندگی، در هزاره‌های پیش از میلاد دارد. یکی از مشکلات اساسی در مطالعه الیاف و همچنین تن پوش‌های آن دوره این است که منسوجات در یافته‌های باستانی به خوبی حفظ نشده و از بین رفته‌اند. بنابراین ما با نمونه‌های اندکی از منسوجات و الیاف مواجه هستیم اما با این توصیف، مهم‌ترین اسناد برای پی بردن به نوع پوشش و چگونگی آنها وجود دگمه‌ها و مجسمه‌ها و نقش‌های برجسته آن دوره است. در میان سفال‌های سطحی به دست آمده از تپه جنوبی سیلک، تعدادی قطعه سفال از دوره سوم سیلک وجود دارد که آثار پارچه به طور خیلی واضح بر روی آنها نقش بسته است. همچنین در طی گمانه‌زنی باستان‌شناسی، به منظور تعیین حریم محوطه باستانی سیلک در سال 1395 یک توکن، نوعی اشیای حساب در دوره پیش از تاریخ، به دست آمده که بر روی آن، نقش پارچه نقش یافته که از 6000 سال پیش هنوز باقی مانده است.

۳. سردوک :

از قدیمی ترین استقرار در محوطه باستانی سیلک (دوره یک) تا آخرین استقرار در این محوطه، سردوک های ریسندگی با جنس و اشکال متنوع به دست آمده است که بیان گر رونق صنعت بافندگی در این محوطه باستانی، در کنار سایر صنایع (سفال‌گری، فلزگری و...) از هزاره ششم قبل از میلاد تا هزاره اول قبل از میلاد است. بر اساس معیارهای بیان شده، سردوک‌ها به عنوان دسته ای از مصنوعات هستند که اغلب، به صورت اشکال هرمی و یا کروی، از گل پخته شده و یا از سنگ ساخته می‌شدند و به هیچ عنوان نوع، چوبی آنها به دست نیامده است.



تصویر ۸، سردوک های گلی، سیلک، ۶۷۰۰ تا ۷۲۰۰، موزه ی سیلک

ج) زیورآلات :

تعداد زیاد زیورهای پیدا شده در گورها، بیانگر توجه فراوان ساکنان سیلک به تزیین، در زمان گورستان بوده است. مردها، زن ها و کودکان، همه و همه گردنبندها، حلقه، انگشتر، دستبند و غیره داشته اند. فلزاتی که در این زیورها به کار رفته عبارت اند از: نقره، مفرغ، آهن و به ندرت سرب. زیورها به تبع اهمیت و جایگاه اشخاص فرق میکرده است؛ ثروتمندان بیشتر زیورهایشان از نقره بوده تا مفرغ، ولی غالباً در گورهای آنها سنجاقهای آهنی نیز پیدا می شود. فقرا به زیورهای مفرغی و آهنی قناعت می کرده اند و بعضی از گورهایی که وسایل بسیار اندکی داشتند، در بر گیرنده ی تعداد کمی زیور از جنس آهن بودند. فقدان کامل طلا در وسایل گورهای گورستان تعجب آور ولی قطعی است. (رومن گیرشمن، ۱۳۸۹: ۶۲)

1. بازوبندها و دستبندها :

اولین بازوبندهای به دست آمده در خانه‌های لایه 4 کشف شده است. در ابتدا ماده ساخت این بازوبندها، سنگ خاکستری از نوع سنگ لوح یا سنگ تخت یا سنگ سیاه آتشفشانی است که یکی از قطعات پیدا شده می تواند از عناصر گردنبندها یا بازوبندها باشد که از ۴ قسمت مشابه تشکیل شده و به وسیله اتصالاتی، به هم وصل شده‌اند (رومن گیرشمن، 1379: 31 و 32). بعد ها این سنگ‌های خاکستری، جای خود را به مرمر شفاف و رگه‌دار که فاخرتر و زیباتر است و نیز سنگ سفید از نوع مرمر سبز روشن، می‌دهد. با گذر زمان، شکل دستبندها و بازوبندها متنوع تر می‌شود: مقطع سه با رگ‌برگ‌های میانی به مقطع چهار گوشه و یا اندکی بیضی شکل دوره اول اضافه می‌شود که پهنای آن به ۸۰ میلی متر می‌رسد. جنس سه دستبند به دست آمده در این دوره با قسمت‌هایی به شکل لوزی، از نقره است (رومن گیرشمن، 1379: 75).

2. انگشتر :

تنها یک انگشتر از جنس مرمر فام به رنگ زرد روشن به دست آمده که می تواند حلقه دور یک چوب دستی نیز باشد. از این انگشتر هیچ تصویری موجود نیست و تنها یک نقاشی کاملاً کلی و بدون جزئیات، موجود است. به نظر شخصی نویسنده این انگشتر، مرمر فام به همراه سنگ تراشی‌ها و تزئینات ظریف بوده است.

۳. مهره‌ها :

این مهره‌ها در لایه 5 کارگاهی پیدا شد که در برگیرنده تعداد زیادی از مهره‌های نیمه تمام بود. ابتدا این مهره‌ها را به شکل پلاک‌های مستطیلی شکل از مکعب-مستطیل‌های دراز از جنس سنگ سفید رگه‌دار از نوع مرمر بریده‌اند؛ سپس گوشه‌های آنها را گرد کرده و با ساییدن، آن را به یک سنگ سخت تر، صیقل داده‌اند. سوراخ مهره‌ها حالت مورب دارد و در قطعات بزرگ، سوراخ را از دو طرف مهره ایجاد می‌کردند (رومن گیرشمن، 1379: 32). موادی که برای ساخت این مهره‌ها انتخاب شده، فاخرتر و متنوع‌تر است و هنرمند برا ساخت آن، به سنگی سخت، مانند دیوریت، هجوم برده است. او فیروزه و سنگ‌های مرجانی در اختیار دارد که برای اولین بار در لایه 3 یافت شده و دیگر از مهره‌های بلند استوانه‌ای شکل از مرمر سفید استفاده نمی‌شود و جای آنها را مهره‌های

کوچکی به شکل استوانه یا زیتون می‌گیرند. در این جا نمونه‌ای از کنده‌کاری روی سنگ وجود دارد که طرح آن به شکل یک کوهان یا یک برجستگی که پیکره حیوانی کوچک است و از سنگ قرمز به حالت تقریباً خشن تراشیده شده است (رومن گیرشمن، 1379 : 41).



تصویر ۹، مهره های سنگی، سیلک، دوره ی اول ۷۲۰۰ تا ۸۰۰۰ موزه ی سیلک

4. گوشواره‌ها :

گوشواره‌ها در این دوره، از صفحات مدور طلائی ساخته شده و در میان آن صفحات مدور لاجوردی نیز وجود دارد. بعضی گوشواره‌ها نیز به شکل کپسول‌های طلائی هستند که قسمت پایینی آن مقعر و دارای یک سوراخ است که در قسمت مقعر و فرو رفته آن، یک مهره لاجوردی منگوله‌دار جای می‌گیرد که بند آن از یک حلقه طلائی می‌گذرد. نوع دیگر آن مهره‌ای است طلائی که لبه‌های آن اندکی هلالی شده و لوله‌ای طلائی با انتهای پرچ شده به حالت افقی از آن عبور کرده است. دهانه این لوله به وسیله یک در پوش ظریف نقره‌ای بسته می‌شده است (رومن گیرشمن، 1379 : 74). این گوشواره‌ها که در زیر گیسوهای بافته و زیورهای آن مخفی می‌شدند، بسیار محقر هستند. انواع گوشواره‌ها عبارتند از:

۱. حلقه‌های مفرغی ساده یا اینکه از چند رشته ی مفرغی به هم تابیده تشکیل شده است.

۲. گوشواره‌هایی که از ترکیب مجموعه ی گوی‌های نقره‌ای به هم چسبیده ساخته شده‌اند.

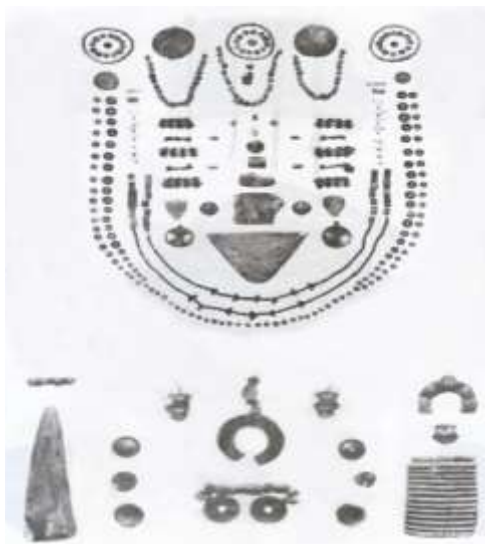
۳. یا از مهره‌های مفرغی که به سیم مفرغی کشیده شده‌اند.

۴. گوی‌هایی که از گل پخته ی به هم چسبیده ساخته شده‌اند.

۵. گوشواره‌هایی از جنس سفال نیز وجود داشته است. (رومن گیرشمن، ۱۳۸۹ : ۶۳)

۵. گردنبند:

این حلقه ها گردن زنان و مردان را زینت می داده است. این حلقه ها که جنس شان از نقره است ، به سه صورت ساخته شده‌اند: یا از یک صفحه نقره‌ای بریده و روی هم تا شده ساخته شده‌اند که به دو قلاب خط می شوند یا اینکه به صورت زنجیری بوده که روی آن با ظرافت تمام کار شده و دو حلقه در دو سر آن نصب شده است و یا این که به شکل حلزونی است. آنهایی که از جنس مفرغ هستند به صورت یراق یا ریشه تابیده با مقطع گرد هستند که وسط آنها ضخیم تر از دو انتهای شان است یا به صورت حلزونی هستند از گور شماره ۱۸۴ گردنبند حلقه ای از جنس آهن نیز به دست آمد(رومن گیرشمن، ۱۳۸۹ : ۶۳). به نظر من و آنچه در تصاویر دیده می شود نوعی گردنبند نیز وجود داشته که از انواع مهره ها ساخته شدن و از جنس صدف و سنگ ها و مهره های زینتی بود که روی آنها تزییناتی داشته و به سه شکل مربع مثلث و دایره بوده است.



تصویر ۱۰، زیورات، سیلک، دوره ۴، کتاب سیلک

ارتباط میان پوشش دو تمدن هم‌دوره سیلک و شوش :

از آنجا که دو تمدن شوش و سیلک، رابطه نزدیکی داشتند و در یک دوره تاریخی قرار داشته‌اند، در نتیجه می‌توان گفت نوع پوشش ایشان نیز، تقریباً نزدیک به هم می‌باشد. پوشش مردان این دوره، پیراهن‌هایی کوتاه و بلند، با آستین بلند و یقه چپ و راستی بوده و در قسمت کمر آن، کمربندهایی دیده می‌شود. در تصاویر این دوره می‌توان مشاهده کرد که، کفش‌هایی چکمه مانند و نیم‌بوت شکل وجود داشته است اما متأسفانه، عکس و یا تندیس‌ای که کفش آنها واضح و مشخص باشد، موجود نیست. کلاه‌های این دوره شامل تاج، کلاه‌خود (قسمت پشتی آن دنباله داشته)، نوارهای تزیینی و عمامه می‌شده است؛ همچنین به نظر می‌رسد شلوارهای این دوره، راسته باشند. پوشش زنان این دوره پیراهن‌های بلند با تزیینات سرآستین و سرشانه بوده و پوشش سرشان نیز کلاه، عمامه و تاج بوده است.

نتیجه گیری:

ایرانیان در دوره‌های تاریخ باستان، نوع پوشش و آرایش خود را، حائز اهمیت قرار داده و همه تلاش و ذوق هنریشان را، برای ساخت پوششی زیبا و زیورهای گوناگون نشان می‌داده‌اند. بدون شک لباس، یکی از ضروریات برای ادامه زندگی است؛ از این رو، برای تحقیق و بررسی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و شناخت بهتر زاویه‌های تاریخی یک دوره، باید توجه زیادی به سیر تحول و دگرگونی پوشاک آن دوره داشت. به طور کلی می‌توان گفت که از آنجا که سیلک نوعی زیگورات بوده و محلی برای عبادت و برگزاری مراسمات آیینی به حساب می‌آمده است، و نیز چون بیشتر سفال‌ها و نقاشی‌های بدست آمده از این دوره، مربوط به مراسمات آیینی آنهاست، در واقع می‌توان گفت پوشش‌های بافته شده، بیشتر جنبه آیینی داشته‌اند و این بافته‌ها را به شکل تزیینی در مراسمات خود به تن می‌کردند و حتی دسته چاقویی که از سیلک به دست آمده نیز، انسانی را نشان می‌دهد که با پوشش کلاه و کمربند می‌باشد و حالت ایستادن وی، به صورت آیینی است و دست هایش که بر روی سینه گره خورده نیایش آیینی را تصویر می‌کنند. بنابراین، با توجه به آثار یافته شده، احتمال آیینی بودن پوشاک استفاده شده تأیید می‌شود.

منابع:

- حبیبی، منصوره، (1383)، سیلک؛ مظاهر گیاهی، انسانی و کیهانی، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند.
- ساروخانی، زهرا، (1399)، پیشینه نساجی کاشان، فصلنامه کاج سبز، شماره چهارم، بهار.
- گیرشمن، رومن، (1379)، سیلک، ترجمه اصغر کریمی، جلد اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیرشمن، رومن، (1389)، سیلک، ترجمه اصغر کریمی، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.